



امام خمینی جامع بین غیب و شهادت، عرفان، فلسفه و سیاست بود ----

طوبی برای کسی که بین غیب و شهادت از یک سو، بین عرفان و سیاست از سوی دیگر، و بین فلسفه و سیاست از سوی سوّم جمع کرد.

طوبی برای کسی که بین غیب و شهادت از یک سو، بین عرفان و سیاست از سوی دیگر، و بین فلسفه و سیاست از سوی سوّم جمع کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از عناوین مهم در کتاب ارزشمند «بنیان مرصوص امام خمینی(ره) در بیان و بنان آیت الله جوادی آملی» است که سیر تاریخی شخصیت انقلابی امام راحل را تبیین شده است. به مناسبت ایام فرخنده دهه فجر، فرازهایی از آن را از نظر می گذرانیم.

آیت الله جوادی آملی بیان می دارد: امام راحل (قدّس سرّه) یک سیر تاریخی دارد که موّرخان می‌توانند درباره او و شناسنامه او بررسی کرده و سخن بگویند: «او ۱۹ سال در خمین زندگی کرد، و پس از آن کم کم وارد مسایل علمی شد، ادبیات، فقه و اصول را مانند دیگران فرا گرفت، تا به حدود سنّ ۲۷ سالگی رسید، و...»، که دیگران نیز این مراحل را داشته‌اند، ولی در زندگی ۹۰ ساله امام امت (قدّس سرّه)، دو دهه را باید از یکدیگر جدا کرد، که دیگران این دو دهه را نداشتند و این دو دهه مخصوص ایشان است؛ دهه اوّل، دهه انس او به جهان «غیب» و «عرفان» است و دهه دوّم، دهه انس او به عالم «شهادت» و «رهبری» است.

معظم له در تبیین و توضیح مراحل بالا مرقوم می دارد: دهه اوّل از اواخر سنّ ۲۷ سالگی تا اوایل ۳۸ سالگی است که از سال (۱۳۴۷ هـ.ق) شروع و تا سال ۱۳۵۸ (هـ.ق) ادامه می‌یابد، یعنی سالهایی که حضرت امام (قدّس سرّه) کتابهای عمیق عرفانی را نوشت؛ در ۲۷ سالگی کتاب شریف «مصابح الهدایة إلى الخلافة والولاية» را نوشت، سپس تعلیقات بر فصوص، تعلیقات بر مصباح الأنس و آنگاه «سرّ الصلّاة» را به رشته تحریر در آورد. اینها کتابهایی نیست که هر کس ده یا بیست سال در حوزه علمیه بود و درس خواند، بتواند بفهمد. اینها نظیر رسائل، مکاسب، جواهر یا منظومه نیست. این دهه ۲۷ تا ۳۷ سالگی دهه غیب و قلمرو غیبی شخصیت امام راحل (قدّس سرّه) است.

وی در ادامه بیان می کند: اما دهه دوم که دهه شهادت و نشأه شهادت اوست، از پایان سال (۱۳۵۷ هـ.ش) تا آغاز سال (۱۳۶۸ هـ.ش) است که در این دهه عالم را زیر و رو کرد.

معظم له تاکید می کند: دوران زندان و تبعید نشانه «مظلومیّت» بود، نه اقتدار، و خیلی از افراد به زندان رفتند، ولی آیا توانستند پس از آزاد شدن، کشور را رهبری و جنگ را هدایت کرده، انقلاب را به سامان رسانند؟ بسیاری مظلوم بودند، ولی آیا این قدرت را داشتند که اگر بر سریر اقتدار بنشینند، چون حضرت علی (علیه السلام) حکومت کنند؟ این مطلب برای دیگران ثابت نشد، ممکن بود که «مدرّس» بتواند، ولی ثابت نشد، ممکن بود که دیگران بتوانند، ولی عملی نشد. آنکه همه یافته‌ها و اسفار اربعه را از علم به عین آورد و از گوش به آغوش رساند، امام امت (قدّس سرّه) بود. این دو دهه شاخص و بارز، تمیز دهنده زندگی حضرت امام خمینی (قدّس سرّه) از دیگران است، بقیّه آنچه که ایشان در قم بود، یعنی چهل سال وسط، هر چند با ریاضت و تهذیب نفس هماهنگ بود، تدریس می‌کرد، ولی دیگران نیز چنین دورانی را پشت سر گذاشتند و تفاوتی که با دیگران بود، در این جهات قابل تبیین بود، اگر تعمق در «اصول» یا تحقیق در «فقه» داشت، هر چند با دیگران فاصله داشت، ولی نه آن قدر که عالم آرا و عالم گیر باشد، بنابراین امام راحل (قدّس سرّه) را باید با این دو دهه شناخت: دهه اوّل، دهه «غیب» و دهه دیگر دهه «شهادت» اوست.

آیت الله جوادی آملی سپس بیان می گوید: طوبی برای کسی که بین غیب و شهادت از یک سو، بین عرفان و سیاست از سوی دیگر، و بین فلسفه و سیاست از سوی سوّم جمع کرد. او نه تنها قائل به «ولایت فقیه» بود، بلکه چون حکیم بود، قائل به «ولایت حکیم» بود و چون عارف بود، قائل به «ولایت عارف» بود؛ او «ولایتی» را آورد که در آن فقاقت، آمیخته با حکمت و حکمت، عجین شده با عرفان بود.

منبع: کتاب بنیان مرصوص امام خمینی(ره) در بیان و بنان آیت الله جوادی آملی